

توبه بی‌فایده

ماه‌های آخر رژیم پهلوی دوران پرتلاطم و شتابانی بود. هر روز خبر از حرکتی تازه و تحولی نو مطرح می‌شد. شتاب حرکت چنان بود که سرویس‌های اطلاعاتی هم از جمع‌بندی و پیش‌بینی آینده غافل شده بودند. شاه نیز دست به هر ترفندی می‌زد تا بقای رژیم را تضمین کند. یکی از این ترفندها روی کار آمدن دولت شریفامامی بود. آنتونی پارسونز آخرین سفیر انگلیس در ایران این مقطع را چنین تصویر کرده است: «روز بیستم آگوست (۲۹ مرداد ۱۳۵۷) در یک سینمای آبادان حریفی روی داد و در این فاجعه قریب ۴۰۰ نفر جان باختند. دولت ترورپیست‌ها و عوامل خرابکار را مسؤول این فاجعه معرفی کرد و مخالفان هم دولت را متهم به دخالت مستقیم و تعدد در ایجاد این حریق کردند. توده مردم حرف مخالفان را پذیرا شدند و دولت آموزگار با همین ضربه سرتگون شد. روز ۲۷ آگوست آموزگار که مورد نفرت روحانیون قرار گرفته و یک تنکوکرات ضداسلامی معرفی شده بود، استعفا داد. شاه، جعفر شریفامامی رئیس سنا را که از یک خانواده مذهبی بود و با روحانیون هم از تباطلی داشت به جانشینی او برگزید ولی شریفامامی ضمن سوابق خدمت طولانی خود به رژیم، ریاست بنیاد پهلوی را هم بر عهده داشت که عملیات آن در گذشته مورد بحث و جدل بود و برای وی نقطه ضعفی به شمار می‌رفت. شاه با انتخاب شریفامامی به مقام نخست‌وزیری می‌خواست چنین وانمود کند که با گذشته بریده و قصد دارد به ارزش‌های سنتنی و اسلامی کشور بازگردد ولی سوابق شریفامامی در بنیاد پهلوی با این هدف سازگار نبود. نخست‌وزیری شریفامامی به هر حال نقطه عطفی به شمار می‌آمد، ولی نه در مسیری که شاه می‌خواست دنبال کند. شریفامامی ظاهراً به این شرط مقام نخست‌وزیری را پذیرفته بود که شاه دست او را در کارها باز بگذارد و به او اجازه دهد با حفظ ظاهر دموکراسی تحت نظارت و حمایت پارلمان حکومت کند. شاه باید از دخالت مستقیم در امور کشور خودداری کرده و به نظارت در کارها در پشت پرده اکتفا کند. شاه این شرط را پذیرفت و به این ترتیب دوران انحصار و تمرکز قدرت‌ها در دست شاه پایان یافت. شریفامامی مسیر اقدامات آشتی‌جویانه‌ای را که شاه از چند هفته قبل آغاز کرده بود دنبال کرد و در نخستین قدم تقویم شاهنشاهی را که فوق‌العاده مورد توجه و علاقه شاه بود از میان برداشت و تقویم گذشته ایران را که جنبه مذهبی داشت جایگزین آن کرد. تقویم شاهنشاهی یکی از نامعقول‌ترین اقداماتی بود که شاه در چند سال قبل به آن دست زده و موجبات خشم و پدگمانی عناصر مذهبی را نسبت به خود فراهم ساخته بود (این تقویم از سال ۱۹۷۶ در ایران برقرار شد. تقویم تاریخ پیشین ایرانی هم با تاریخ اسلامی که بر اساس گردش ماه به دور زمین تنظیم شده تفاوت داشت و مانند تقویم کشورهای غربی بر مبنای شمسی تنظیم یافته بود ولی مبنای تاریخ را مانند تاریخ اسلامی هجرت پیامبر اسلام(ص) از مکه به مدینه قرار داده بودند. در مراسم پنجاهمین سال سلطنت خاندان پهلوی، شاه تصمیم گرفت مبنای تاریخ ایران را تغییر دهد و آن را حدود یک هزار سال قبل از هجرت پیامبر اسلام(ص) یعنی تاریخ آغاز فرمانروایی کوروش شاه باستانی ایران قرار دهد. این اقدام ناپجا و خودخواهانه احساسات مذهبی مردم را جریحه‌دار ساخت و فقط روحانیون بلکه توده مردم را هم خشمگین و ناراضی کرد و طبقه روشنفکر و تحصیلکرده نیز آن را با تمسخر و استهزا استقبال کردند)

از کارهای دیگر شریفامامی در نخستین روزهای حکومتش بستن کارینوها و کلوپ‌های قمار بود که به منظور تحبیب عناصر مذهبی صورت گرفت ولی این کار شریفامامی هم با توجه به اینکه خود او در مقام ریاست بنیاد پهلوی تعدادی از این کارینوها را تاسیس کرده بود موجب تمسخر و ریشخند شد و اثر مطلوبی به بار نیاورد. اقدامات شریفامامی در مجموع از بالا گرفتن موج مخالفت‌هایی که آغاز شده بود جلوگیری نکرد. در پایان ماه رمضان جمعیت کثیری برای برگزاری مراسم نماز مخصوص این روز از شمال تهران به طرف جنوب راهپیمایی کردند. این تظاهرات با چنان نظم و ترتیبی برگزار شد که همه را به تحسین و اعجاب واداشت و دولتیان هم به مهارت و کارایی گردانندگان این تظاهرات غبطه خوردند.»

بی‌نوشته.....

۱- غرور و سقوط، خاطرات آنتونی پارسونز، صص ۱۱۰ و ۱۱۱



مداحان فقط مداحند

محمدهاش قاجار در ششم شوال ۱۲۶۴ چشم از جهان فروست. وزیرش حاجی میرزا آغاسی در زمان ولی‌نعمت خود جان و مال مردم را در اختیار داشت که پس از مرگ شاه از ترس مردم به حضرت عبدالعظیم فرار کرد و بست در آنجا نشست. این زمان پیک روسی فاصله تهران- تبریز را ۲۸ساعته طی می‌کند و خبر را به ولیعهد می‌رساند. ولیعهد ۱۶ساله بی‌خبر از مملکتی که خزان‌اش تهی است و تماماً چار هرج و مرج است و مردم مالیاتی ندارند که بپردازند چراکه جنگ با روس کمر ایرانیان را شکسته بود از مملکت‌داری چه می‌دانست؟! آن هم با صدراعظمی فراری. تنها راه‌مردی که توانست طی سه سال مسوولیتش دال مردم را به دست آورد و اوضاع را آرام کند، یکی از پرورش یافتگان مکتب صدراعظم شهید قائم‌مقام میرزا تقی‌خان بود که قبلاً کنسول ایران در عثمانی بود. چون کاردانی و درستی‌اش برای اعیان و تجار تبریز شناخته شده بود، به وی مبالغ زیادی وام دادند تا برای تهیه سرباز و به مسند نشاندن ولیعهد «ناصرالدین‌شاه» چاره اندیشد. در میان راه یکی از قبحرها به نام سیف‌الملک داعیه شاهی کرد که سرکوبش کرد. مواجب رملان و شاعران و دیگر انگل‌ها را قطع کرد. حقوق درباریان را کم می‌کند، حواله‌های صادره از طرف آغاسی را فاقد اعتبار می‌داند. در این زمان یکی از شعرای دربار به نام حکیم قالی‌اش شیرازی در مدح امیر می‌گوید: نسیم خلد می‌وزد مگر ز جویبارها / که بوی مشک می‌دهد هوای مرغزارها به جای ظلم و شقی نشسته عادلِ تقی/ که مومنان متقی کنند افتخارها امیر فریاد برآورد بس است. قالی‌ که منتظر پاداش بود، ساکت می‌شود. امیر می‌فرماید بگو بدانم، چند نفر قالیّی داریم؟ قالیّی می‌گوید: فقط یکی. امیر فرمان می‌دهد: چوب و فلک آماده کنيد. قالیّی لرزان: به چه جرّمی؟ – به جرم تحمیق بزگان؛ و تو قالیّی بگو ببنم این شعر از کیست؟ میرزاآغاسی که وصف روی او را وی ز آنچه آید در گمان در وصف ذاتش برتر است/ ذات بی‌همتای او قلب است و گیتی قالب است/ عدل ملّک‌آرای او روح است و عالم پیکر است قالیّی: از من است.

امیر می‌فرماید چطور ذات بی‌همتای او قالب گیتی شده و حالا ظالم شقی! درازش کنید. در این بین اعضداالشطنه ریش‌سفید خاندان قجر وساطت می‌کنند. لیکن به دستور امیر مواجیش طبعی می‌شود و چون تامله‌مند بوده دستور می‌دهد فن فلاتح را که به زبان فرانسه بوده ترجمه کند و کلام‌العمل بگیرد. لیکن با شهادت امیر ترجمه هم منتهی می‌شود.

ناصرالدین شاه گیتی را منظم کرد باز/ معنی اقبال و نصرت را مجسم کرد باز شاه پنداری سلیمان بود کز انگشت او/اهرمن‌خویی به حیلث قصد خاتم کرد باز در خزان غم نهان طبع من افسرده بود/او بهار چون شاهی سبز و خرم کرد باز شاید همداری باشد که مداحان در هر عصر فقط مداح‌اند.

تاریخ

سال پنجم ■ شماره ۱۱۵۰ ■ یکشنبه ۱۲ دی ۱۳۸۹

سرود و ترانه در ایران باستان

از گاه باستان تا سده‌های اولیه هجری-بخش اول

◄ **محمد بهمنی قاجار**

شعر و سرود در ایران از گاه باستان همواره جزئی همیشگی از آیین‌های ایرانیان بوده و ملت ایران از شعر و سرود و موسیقی در شکوه بخشیدن به آیین‌های ملی و باستانی و حتی آداب مذهبی خویش همواره به طرز بسیار زیبا و ارزشمندی سود برده‌اند. قدیمی‌ترین شعر ایران در گات‌های زرتشت است و آن اشعاری است که زرتشت در مناجات با خداوند سروده است. از جمله سرودهای زرتشت «سرود هات ۲۹ گات‌ها در آغاز پیامبری زرتشت» است که در بند ۸ درباره تولد زرتشت‌شاه چام /ز بده تپی کرد و شد شادکام. بدو گشت خورشید بر زمین خندید، سبزه بردمید و گل شکوفید و بلبل بر شاخه گل نغمه برکشید و زمان کهن که ایستن باز تاره بود، زایشی دیگر را آغازید. خرداد روز بود به ماه فروردین که «ستاره روشن» پای به جهان نهاد.» در شاهنامه نیز در هنگامی که کیخسرو پس از فروزان کردن آذر گشسب در آذربایجان به پارس رفته و بر تخت شاهنشاهی می‌نشیند، فردوسی در یاد کردن و بیان جشن کیخسرو که همه بزرگان در آن گرد آمده‌اند پس از شمردن گروه‌های موبدان، شاهزادگان، پهلوانان و خاندان‌های بزرگ اشاره به آهنگسازان، آوازخوانان و هنرمندان می‌کند و می‌گوید:

پرتستدای دارد او روز جنگ /اکز آواز او رام گردد پلنگ نواساز /آرد نوا را نوا /چو او چنگ گیرد بخندد هوا همان طور که ملاحظه می‌شود حدود سه هزار سال پیش به گفته فردوسی در دربار کیخسرو، نواسازان، شاعران، آهنگسازان و خوانندگان حضور داشتند و شعر و موسیقی رونق فراوان داشته است.

خواندن شعر و سرود نه‌تنها در بزم‌ها رونق داشت بلکه در جنگ‌ها و رزم‌ها نیز ایرانیان به خواندن شعر و سرودهای حماسی می‌پرداختند. «کنت کورث» به سرود خواندن ایرانیان هنگام نبرد با اسکندر اشاره می‌کند و می‌گوید: پیشاپیش قشون در محراب‌های سیمین آتش می‌پرند که این مردمان آن را جاویدان و مقدس می‌دانند.» و م‌عا که در اطراف آتش بودند سرودهای ملی می‌خواندند. همچنین کتاب اوستا نیز که از کتاب‌های بزرگ اعصار قدیم بوده و ایرانیان قبل از ظهور زرتشت نیز آن را گرمای می‌دانستند با آهنگ و سرود خوانده می‌شده چنان‌که فردوسی در بیان عزیمت کیاکوس و کیخسرو به آذربایجان و رفتن به آذر گشسب به نیت یافتن افراسیاب و کین‌خواهی سیلوش در مورد خواندن اوستا می‌گوید:

به زاری ابا کردگار جهان / به زمزم کَیم آفرین نهان جهان آفرین را همی خواندند / بر آن موبدان گوهر افشاندند

نیايش ایرانیان یه درگاه اهورامزدا که آتش‌های مقدس «آذر گشسب»، «آذر فرنیغ» و «آذر برزین‌مهر» را نماد آن می‌دانستند نیز به صورت سرود بود که خطاب به این آتش‌ها اینچنین می‌خواندند: «سپاس دارم از دادار نیکي‌افزا که فراز داد و آفرید «آذر خسرو»؟، «آذر گشسب» و «آذر برزین‌مهر» و ابرای نگهداری ایران. آذر گشسب تیزتک، ارتشاران، پیروزی دهنده و زدن و نهندن و نابود کردن هر گونه بدی و پتیاره و دهنده پیروزی به دیگر مخلوقات مرمزد.»

یکی از کتاب‌هایی که در آن به توجه ایرانیان به شعر و سرود اشاره شده تاریخ قح است. در این کتاب اشعاری به شاهان و بزرگان نسبت داده شده. همچنین در کتاب مجمع‌التواریخ شعری به همای چهر آزاد ملکه ایران نسبت داده‌اند با مضمون زیر:

بخور بانوی جهان

هزار سال نوروز و مهرگان

یا شعر کیخسرو^۱ و شعر اردشیر بابکان در این کتاب^{۱۱}

اشعار مانی^{۱۲} نیز از قدیمی‌ترین آثار منظوم ایرانی است. از آثار «هانی» می‌توان از کتاب شاپورگان که به کتاب‌شاهپور اول ساسانی آن را نوشته است، نام برد. از کتاب‌های دیگر وی کتابی به زبان پهلوی به نام «هرک گنامه» و کتاب «سفرالاسفقا و سفرالحباره» به زبان سریانی است. برگ‌های پراکنده‌ای از کتاب شاپورگان در شهر تورفان که یکی از شهرهای ترکستان^{۱۳} است و مرکز مانویان ایرانی و ترک بوده به دست آمده که در آن اشعار هجایی دیده می‌شود. این اشعار که از گفتارهای مانی است به زبان پهلوی شمالی^{۱۴} بوده است. در اینجا یک بیت به دست آمده از این کتاب آورده می‌شود. این قطعه ۱۲ هجایی و مفضل است و در ستایش درخت نور ساخته شده.

خورشید روشن و ماه تمام برانزده /روشنی دهنده و برانزده از تنه آن درخت

عدای از پژوهنگران این شعر را/ از یارید دانسته‌اند و به سرودهای ستایش خسروانی نسبت داده‌اند. از دیگر سرودهای دوره ساسانی می‌توان به اشعاری که در کتیبه حاجی‌آباد^{۱۵} در سه فرسنگی تبریز است اشاره کرد که به دو زبان پهلوی اشکانی و ساسانی در وصف تیراندازی شاهنشاه شاهپور او بوده است. یکی از اشعار

و سرودهای مهم که از یادگارهای ادبی دوره ساسانی و آثار برجسته آن دوران است، سرود «آتشکده کرکوت» است. در مورد این آتشکده دانشمند که آتش این آتشکده هوش یا روح گرشاسب است. سرود کرکوت^{۱۶}:

فرخت بد روش^{۱۷} /خنیده گرشاسب^{۱۸} هوش . همی برست از جوش /نوش کن می نوش . دوست بد آ کوش /به آفرین نهاده گوش . همیشه نیکی کوش / که دی گذشت و دوش

معانی فارسی سرود کرکوت:

افروخته باد روشنی‌ای عالم‌گیر باد هوش گرشاسب / همی برست از جوش /نوش کن می نوش / دوست بدار در آغوش. به آفرین نه گوش / همیشه نیکی کوش که دی گذشت و دوش. در میان شاهنشاهان ساسانی، اردشیر بابکان، بهرام گور و خسروپرویز توجه ویژه به سرود و موسیقی داشتند. فردوسی در شاهنامه در باب رفتن بهرام پنجم ساسانی (بهرام گور) به نخعیر

و خواستش دختر دهقان برزین از شعر و موسیقی و

سرود سخن می‌گوید:

چو برزین چنان دید برگشت شاد / بیامد به هر جای خمی نهاد

و به دخترانش گفت:

بدین باغ بهرام شاه آمدست / نه گردنکشی ز آن سپاه آمدست . هلا چامه پیش آور ای چامه‌گوی / تو چنگ آور ای دختر ماهروی. برفتند هر سه به نزدیک شاه / نهاده به سر بر ز گوهر کلاه . یکی پای کوب و دگر چنگ زن /سه دیگر خوش‌آواز انده‌شکن. به آواز ایشان شهت‌شاه چام /ز بده تپی کرد و شد شادکام. بدو گشت این دختران کینند/ که با تو در این شادکامی زبند. چنین گفت برزین که ای شهریار / میناد بی تو کسی روزگار چنان دان که این دختران مندند / پسندیده و دلبران مندند . یکی چامه‌گوی و دگر چنگ‌زن / سوم پای کوبد شکن در شک. ز چیزی مرا نیست شاها کم‌ی / ادرم هست و دینار و باغ و زمی . سه دختر به کردار خرم بهار / بدینسان که بپند همی شهریار . بتان، چامه و چنگ برساخندت / یکایک دل از غم بپردازند

علاقه‌مندی بهرام گور به شعر و موسیقی و سرود و توجه او به ترقی و رواج هنر موسیقی تا به حدی بود که خنیان‌گاران زمان بهرام گور به تشکیل طبقه‌ای در طبقات دیگر مردم آن عصر نائل آمدند. نظامی‌گنجوی در هفت‌پیکر به توجه این شاهنشاه به موسیقی اشاره کرده و می‌گوید:

شش هزار اوستاد دستان ساز / مطرب و پای کوب و لعیت‌باز . گرد کرد از سواد هر شهری / داد هر بقعه را از آن بهری . تا به هر جا که رخت‌کش باشند / خلق را خوش کنند و خوش باشند

و اما مهم‌ترین اشعار در دوره ساسانی شعرهایی است که در این دوره در ارتباط با آیین‌های ملی و باستانی سروده می‌شده است که مهم‌ترین آنها سرودها و آهنگ‌های باربد و دیگر هنرمندان آن عهد است که در توصیف آیین‌ها، مراسم و همچنین قهرمانی‌ها و دلاوری‌های پهلوانان و شاهان در قالب سرود، چکامه و ترانه گفته می‌شده است. باربد از سرودهای خسروانی در بیان مراسم و اعیاد ملی و از آن جمله نوروز بهره برده است و می‌توان گفت یکی از دستاوردهای بزرگ موسیقی آن زمان «خسروانی باربد»، «سروست خسروانیک» است. مخصوصا در مآخذهای پهلوی این «سرودت خسروانیک» خاطر نشان شده است. این سرودها را باربد به خسروپرویز تقدیم کرده است و این سرودها در نوشته‌های تاریخی به نام سرود خسروانی بین اعراب به «الطریق الملوکيه» (سبک پهلانه) مشهور شده است. سرودهای خسروانی باربد در اساس از هفت سرود گوناگون یعنی از «گنج عروس»، «گنج یادآورد»، «گنج شایگان»، «گنج افراسیاب»، «گنج فریدون» و «گنج خوسخته» و «گنج گاو» تشکیل شده و هر یک از این سرودها از شاخه و قسمت‌های جداگانه ترکیب یافته بوده است که در جمع ۳۰ سرود و آهنگ بوده است. در سرودهای خسروانی موضوع‌های فلسفی، اجتماعی، عشقی، اخلاقی، نیایشی، وطن‌خواهی، دلبری، بهار و...

توصیف شده‌اند. مثلا سرودهای «گنج گاو»، «گنج یادآورد» با گنج باد آور و «گنج افراسیاب» اقتدار و ثروت شاهان ساسانی را در خود مجسم کرده‌اند. در سرودهای خسروانی دیگر مانند «گنج عروس» و «گنج سوخته» شادی ایرانیان توصیف شده است. «گنج عروس» و «گنج بـادآور»^{۱۹} از گنج‌های خسروپرویز که باربد در دوره این شاهنشاه سروده‌ای در مورد آنها گفته، طبق آنچه فردوسی می‌گوید:از گنج‌های دوره باستانی ایران بوده است.^{۲۰} دیگر نوع سرودهای دوره باربد، افزون بر سرودهای خسروانی، چامه و چکامه است که به این سرودها، سرودهای نوروزی و بهاریه باربد، سربک، سرکش، گیسوی ناوگر، آزادآور جنگی، آشناد و ازمنین داخل اند. موضوع چامه‌های بهاریه باربد: سرود، زینبایان، تخت‌اردشیر، چاکوک، چکلک، خماخسرو، دل‌انگیزان، دنه، دیف رخش (دیو رخش)، راست (راه، پرده)، راه گل، راهوی، روشن چراغ، راه مورا اله‌نهری، زید قیصران، سبزه بهار، سپهبدان، ستا، سارکانه (پرده)، سرود پارسی، سرود موارال‌نهری، سروستان، سروستانه سرو سهی، سیرواتیر، شخج، شکر‌توین، ششم، عشاق (پرده)، قاقوس، قیصران، کاپوینزه، کبک دری، گل‌نوش، گنج بادآور، گنج گاو، گنج فریدون، لیلیا، لیلی (پرده)، ماده (پرده)، مویه (پرده)، موزین، باغ سیل‌ووشان، باغ شهریار، بسکینه، بند شهریار، بهمن، پالیزبان، تخت‌اردشیر، چاکوک، چکلک، خماخسرو، دل‌انگیزان، دنه، دیف رخش (دیو رخش)، راست (راه، پرده)، راه گل، راهوی، روشن چراغ، راه مورا اله‌نهری، زید قیصران، سبزه بهار، سپهبدان، ستا، سارکانه (پرده)، سرود پارسی، سرود موارال‌نهری، سروستان، سروستانه سرو سهی، سیرواتیر، شخج، شکر‌توین، ششم، عشاق (پرده)، قاقوس، قیصران، کاپوینزه، کبک دری، گل‌نوش، گنج بادآور، گنج گاو، گنج فریدون، لیلیا، لیلی (پرده)، ماده (پرده)، مویه (پرده)، موزین، باغ سیل‌ووشان، باغ شهریار، بسکینه، بند شهریار، بهمن، پالیزبان، تخت‌اردشیر، چاکوک، چکلک، خماخسرو، دل‌انگیزان، دنه، دیف رخش (دیو رخش)، راست (راه، پرده)، راه گل، راهوی، روشن چراغ، راه مورا اله‌نهری، زید قیصران، سبزه بهار، سپهبدان، ستا، سارکانه (پرده)، سرود پارسی، سرود موارال‌نهری، سروستان، سروستانه سرو سهی، سیرواتیر، شخج، شکر‌توین، ششم، عشاق (پرده)، قاقوس، قیصران، کاپوینزه، کبک دری، گل‌نوش، گنج بادآور، گنج گاو، گنج فریدون، لیلیا، لیلی (پرده)، ماده (پرده)، مویه (پرده)، موزین، باغ سیل‌ووشان، باغ شهریار، بسکینه، بند شهریار، بهمن، پالیزبان، تخت‌اردشیر، چاکوک، چکلک، خماخسرو، دل‌انگیزان، دنه، دیف رخش (دیو رخش)، راست (راه، پرده)، راه گل، راهوی، روشن چراغ، راه مورا اله‌نهری، زید قیصران، سبزه بهار، سپهبدان، ستا، سارکانه (پرده)، سرود پارسی، سرود موارال‌نهری، سروستان، سروستانه سرو سهی، سیرواتیر، شخج، شکر‌توین، ششم، عشاق (پرده)، قاقوس، قیصران، کاپوینزه، کبک دری، گل‌نوش، گنج بادآور، گنج گاو، گنج فریدون، لیلیا، لیلی (پرده)، ماده (پرده)، مویه (پرده)، موزین، باغ سیل‌ووشان، باغ شهریار، بسکینه، بند شهریار، بهمن، پالیزبان، تخت‌اردشیر، چاکوک، چکلک، خماخسرو، دل‌انگیزان، دنه، دیف رخش (دیو رخش)، راست (راه، پرده)، راه گل، راهوی، روشن چراغ، راه مورا اله‌نهری، زید قیصران، سبزه بهار، سپهبدان، ستا، سارکانه (پرده)، سرود پارسی، سرود موارال‌نهری، سروستان، سروستانه سرو سهی، سیرواتیر، شخج، شکر‌توین، ششم، عشاق (پرده)، قاقوس، قیصران، کاپوینزه، کبک دری، گل‌نوش، گنج بادآور، گنج گاو، گنج فریدون، لیلیا، لیلی (پرده)، ماده (پرده)، مویه (پرده)، موزین، باغ سیل‌ووشان، باغ شهریار، بسکینه، بند شهریار، بهمن، پالیزبان، تخت‌اردشیر، چاکوک، چکلک، خماخسرو، دل‌انگیزان، دنه، دیف رخش (دیو رخش)، راست (راه، پرده)، راه گل، راهوی، روشن چراغ، راه مورا اله‌نهری، زید قیصران، سبزه بهار، سپهبدان، ستا، سارکانه (پرده)، سرود پارسی، سرود موارال‌نهری، سروستان، سروستانه سرو سهی، سیرواتیر، شخج، شکر‌توین، ششم، عشاق (پرده)، قاقوس، قیصران، کاپوینزه، کبک دری، گل‌نوش، گنج بادآور، گنج گاو، گنج فریدون، لیلیا، لیلی (پرده)، ماده (پرده)، مویه (پرده)، موزین، باغ سیل‌ووشان، باغ شهریار، بسکینه، بند شهریار، بهمن، پالیزبان، تخت‌اردشیر، چاکوک، چکلک، خماخسرو، دل‌انگیزان، دنه، دیف رخش (دیو رخش)، راست (راه، پرده)، راه گل، راهوی، روشن چراغ، راه مورا اله‌نهری، زید قیصران، سبزه بهار، سپهبدان، ستا، سارکانه (پرده)، سرود پارسی، سرود موارال‌نهری، سروستان، سروستانه سرو سهی، سیرواتیر، شخج، شکر‌توین، ششم، عشاق (پرده)، قاقوس، قیصران، کاپوینزه، کبک دری، گل‌نوش، گنج بادآور، گنج گاو، گنج فریدون، لیلیا، لیلی (پرده)، ماده (پرده)، مویه (پرده)، موزین، باغ سیل‌ووشان، باغ شهریار، بسکینه، بند شهریار، بهمن، پالیزبان، تخت‌اردشیر، چاکوک، چکلک، خماخسرو، دل‌انگیزان، دنه، دیف رخش (دیو رخش)، راست (راه، پرده)، راه گل، راهوی، روشن چراغ، راه مورا اله‌نهری، زید قیصران، سبزه بهار، سپهبدان، ستا، سارکانه (پرده)، سرود پارسی، سرود موارال‌نهری، سروستان، سروستانه سرو سهی، سیرواتیر، شخج، شکر‌توین، ششم، عشاق (پرده)، قاقوس، قیصران، کاپوینزه، کبک دری، گل‌نوش، گنج بادآور، گنج گاو، گنج فریدون، لیلیا، لیلی (پرده)، ماده (پرده)، مویه (پرده)، موزین، باغ سیل‌ووشان، باغ شهریار، بسکینه، بند شهریار، بهمن، پالیزبان، تخت‌اردشیر، چاکوک، چکلک، خماخسرو، دل‌انگیزان، دنه، دیف رخش (دیو رخش)، راست (راه، پرده)، راه گل، راهوی، روشن چراغ، راه مورا اله‌نهری، زید قیصران، سبزه بهار، سپهبدان، ستا، سارکانه (پرده)، سرود پارسی، سرود موارال‌نهری، سروستان، سروستانه سرو سهی، سیرواتیر، شخج، شکر‌توین، ششم، عشاق (پرده)، قاقوس، قیصران، کاپوینزه، کبک دری، گل‌نوش، گنج بادآور، گنج گاو، گنج فریدون، لیلیا، لیلی (پرده)، ماده (پرده)، مویه (پرده)، موزین، باغ سیل‌ووشان، باغ شهریار، بسکینه، بند شهریار، بهمن، پالیزبان، تخت‌اردشیر، چاکوک، چکلک، خماخسرو، دل‌انگیزان، دنه، دیف رخش (دیو رخش)، راست (راه، پرده)، راه گل، راهوی، روشن چراغ، راه مورا اله‌نهری، زید قیصران، سبزه بهار، سپهبدان، ستا، سارکانه (پرده)، سرود پارسی، سرود موارال‌نهری، سروستان، سروستانه سرو سهی، سیرواتیر، شخج، شکر‌توین، ششم، عشاق (پرده)، قاقوس، قیصران، کاپوینزه، کبک دری، گل‌نوش، گنج بادآور، گنج گاو، گنج فریدون، لیلیا، لیلی (پرده)، ماده (پرده)، مویه (پرده)، موزین، باغ سیل‌ووشان، باغ شهریار، بسکینه، بند شهریار، بهمن، پالیزبان، تخت‌اردشیر، چاکوک، چکلک، خماخسرو، دل‌انگیزان، دنه، دیف رخش (دیو رخش)، راست (راه، پرده)، راه گل، راهوی، روشن چراغ، راه مورا اله‌نهری، زید قیصران، سبزه بهار، سپهبدان، ستا، سارکانه (پرده)، سرود پارسی، سرود موارال‌نهری، سروستان، سروستانه سرو سهی، سیرواتیر، شخج، شکر‌توین، ششم، عشاق (پرده)، قاقوس، قیصران، کاپوینزه، کبک دری، گل‌نوش، گنج بادآور، گنج گاو، گنج فریدون، لیلیا، لیلی (پرده)، ماده (پرده)، مویه (پرده)، موزین، باغ سیل‌ووشان، باغ شهریار، بسکینه، بند شهریار، بهمن، پالیزبان، تخت‌اردشیر، چاکوک، چکلک، خماخسرو، دل‌انگیزان، دنه، دیف رخش (دیو رخش)، راست (راه، پرده)، راه گل، راهوی، روشن چراغ، راه مورا اله‌نهری، زید قیصران، سبزه بهار، سپهبدان، ستا، سارکانه (پرده)، سرود پارسی، سرود موارال‌نهری، سروستان، سروستانه سرو سهی، سیرواتیر، شخج، شکر‌توین، ششم، عشاق (پرده)، قاقوس، قیصران، کاپوینزه، کبک دری، گل‌نوش، گنج بادآور، گنج گاو، گنج فریدون، لیلیا، لیلی (پرده)، ماده (پرده)، مویه (پرده)، موزین، باغ سیل‌ووشان، باغ شهریار، بسکینه، بند شهریار، بهمن، پالیزبان، تخت‌اردشیر، چاکوک، چکلک، خماخسرو، دل‌انگیزان، دنه، دیف رخش (دیو رخش)، راست (راه، پرده)، راه گل، راهوی، روشن چراغ، راه مورا اله‌نهری، زید قیصران، سبزه بهار، سپهبدان، ستا، سارکانه (پرده)، سرود پارسی، سرود موارال‌نهری، سروستان، سروستانه سرو سهی، سیرواتیر، شخج، شکر‌توین، ششم، عشاق (پرده)، قاقوس، قیصران، کاپوینزه، کبک دری، گل‌نوش، گنج بادآور، گنج گاو، گنج فریدون، لیلیا، لیلی (پرده)، ماده (پرده)، مویه (پرده)، موزین، باغ سیل‌ووشان، باغ شهریار، بسکینه، بند شهریار، بهمن، پالیزبان، تخت‌اردشیر، چاکوک، چکلک، خماخسرو، دل‌انگیزان، دنه، دیف رخش (دیو رخش)، راست (راه، پرده)، راه گل، راهوی، روشن چراغ، راه مورا اله‌نهری، زید قیصران، سبزه بهار، سپهبدان، ستا، سارکانه (پرده)، سرود پارسی، سرود موارال‌نهری، سروستان، سروستانه سرو سهی، سیرواتیر، شخج، شکر‌توین، ششم، عشاق (پرده)، قاقوس، قیصران، کاپوینزه، کبک دری، گل‌نوش، گنج بادآور، گنج گاو، گنج فریدون، لیلیا، لیلی (پرده)، ماده (پرده)، مویه (پرده)، موزین، باغ سیل‌ووشان، باغ شهریار، بسکینه، بند شهریار، بهمن، پالیزبان، تخت‌اردشیر، چاکوک، چکلک، خماخسرو، دل‌انگیزان، دنه، دیف رخش (دیو رخش)، راست (راه، پرده)، راه گل، راهوی، روشن چراغ، راه مورا اله‌نهری، زید قیصران، سبزه بهار، سپهبدان، ستا، سارکانه (پرده)، سرود پارسی، سرود موارال‌نهری، سروستان، سروستانه سرو سهی، سیرواتیر، شخج، شکر‌توین، ششم، عشاق (پرده)، قاقوس، قیصران، کاپوینزه، کبک دری، گل‌نوش، گنج بادآور، گنج گاو، گنج فریدون، لیلیا، لیلی (پرده)، ماده (پرده)، مویه (پرده)، موزین، باغ سیل‌ووشان، باغ شهریار، بسکینه، بند شهریار، بهمن، پالیزبان، تخت‌اردشیر، چاکوک، چکلک، خماخسرو، دل‌انگیزان، دنه، دیف رخش (دیو رخش)، راست (راه، پرده)، راه گل، راهوی، روشن چراغ، راه مورا اله‌نهری، زید قیصران، سبزه بهار، سپهبدان، ستا، سارکانه (پرده)، سرود پارسی، سرود موارال‌نهری، سروستان، سروستانه سرو سهی، سیرواتیر، شخج، شکر‌توین، ششم، عشاق (پرده)، قاقوس، قیصران، کاپوینزه، کبک دری، گل‌نوش، گنج بادآور، گنج گاو، گنج فریدون، لیلیا، لیلی (پرده)، ماده (پرده)، مویه (پرده)، موزین، باغ سیل‌ووشان، باغ شهریار، بسکینه، بند شهریار، بهمن، پالیزبان، تخت‌اردشیر، چاکوک، چکلک، خماخسرو، دل‌انگیزان، دنه، دیف رخش (دیو رخش)، راست (راه، پرده)، راه گل، راهوی، روشن چراغ، راه مورا اله‌نهری، زید قیصران، سبزه بهار، سپهبدان، ستا، سارکانه (پرده)، سرود پارسی، سرود موارال‌نهری، سروستان، سروستانه سرو سهی، سیرواتیر، شخج، شکر‌توین، ششم، عشاق (پرده)، قاقوس، قیصران، کاپوینزه، کبک دری، گل‌نوش، گنج بادآور، گنج گاو، گنج فریدون، لیلیا، لیلی (پرده)، ماده (پرده)، مویه (پرده)، موزین، باغ سیل‌ووشان، باغ شهریار، بسکینه، بند شهریار، بهمن، پالیزبان، تخت‌اردشیر، چاکوک، چکلک، خماخسرو، دل‌انگیزان، دنه، دیف رخش (دیو رخش)، راست (راه، پرده)، راه گل، راهوی، روشن چراغ، راه مورا اله‌نهری، زید قیصران، سبزه بهار، سپهبدان، ستا، سارکانه (پرده)، سرود پارسی، سرود موارال‌نهری، سروستان، سروستانه سرو سهی، سیرواتیر، شخج، شکر‌توین، ششم، عشاق (پرده)، قاقوس، قیصران، کاپوینزه، کبک دری، گل‌نوش، گنج بادآور، گنج گاو، گنج فریدون، لیلیا، لیلی (پرده)، ماده (پرده)، مویه (پرده)، موزین، باغ سیل‌ووشان، باغ شهریار، بسکینه، بند شهریار، بهمن، پالیزبان، تخت‌اردشیر، چاکوک، چکلک، خماخسرو، دل‌انگیزان، دنه، دیف رخش (دیو رخش)، راست (راه، پرده)، راه گل، راهوی، روشن چراغ، راه مورا اله‌نهری، زید قیصران، سبزه بهار، سپهبدان، ستا، سارکانه (پرده)، سرود پارسی، سرود موارال‌نهری، سروستان، سروستانه سرو سهی، سیرواتیر، شخج، شکر‌توین، ششم، عشاق (پرده)، قاقوس، قیصران، کاپوینزه، کبک دری، گل‌نوش، گنج بادآور، گنج گاو، گنج فریدون، لیلیا، لیلی (پرده)، ماده (پرده)، مویه (پرده)، موزین، باغ سیل‌ووشان، باغ شهریار، بسکینه، بند شهریار، بهمن، پالیزبان، تخت‌اردشیر، چاکوک، چکلک، خماخسرو، دل‌انگیزان، دنه، دیف رخش (دیو رخش)، راست (راه، پرده)، راه گل، راهوی، روشن چراغ، راه مورا اله‌نهری، زید قیصران، سبزه بهار، سپهبدان، ستا، سارکانه (پرده)، سرود پارسی، سرود موارال‌نهری، سروستان، سروستانه سرو سهی، سیرواتیر، شخج، شکر‌توین، ششم، عشاق (پرده)، قاقوس، قیصران، کاپوینزه، کبک دری، گل‌نوش، گنج بادآور، گنج گاو، گنج فریدون، لیلیا، لیلی (پرده)، ماده (پرده)، مویه (پرده)، موزین، باغ سیل‌ووشان، باغ شهریار، بسکینه، بند شهریار، بهمن، پالیزبان، تخت‌اردشیر، چاکوک، چکلک، خماخسرو، دل‌انگیزان، دنه، دیف رخش (دیو رخش)، راست (راه، پرده)، راه گل، راهوی، روشن چراغ، راه مورا اله‌نهری، زید قیصران، سبزه بهار، سپهبدان، ستا، سارکانه (پرده)، سرود پارسی، سرود موارال‌نهری، سروستان، سروستانه سرو سهی، سیرواتیر، شخج، شکر‌توین، ششم، عشاق (پرده)، قاقوس، قیصران، کاپوینزه، کبک دری، گل‌نوش، گنج بادآور، گنج گاو، گنج فریدون، لیلیا، لیلی (پرده)، ماده (پرده)، مویه (پرده)، موزین، باغ سیل‌ووشان، باغ شهریار، بسکینه، بند شهریار، بهمن، پالیزبان، تخت‌اردشیر، چاکوک، چکلک، خماخسرو، دل‌انگیزان، دنه، دیف رخش (دیو رخش)، راست (راه، پرده)، راه گل، راهوی، روشن چراغ، راه مورا اله‌نهری، زید قیصران، سبزه بهار، سپهبدان، ستا، سارکانه (پرده)، سرود پارسی، سرود موارال‌نهری، سروستان، سروستانه سرو سهی، سیرواتیر، شخج، شکر‌توین، ششم، عشاق (پرده)، قاقوس، قیصران، کاپوینزه، کبک دری، گل‌نوش، گنج بادآور، گنج گاو، گنج فریدون، لیلیا، لیلی (پرده)، ماده (پرده)، مویه (پرده)، موزین، باغ سیل‌ووشان، باغ شهریار، بسکینه، بند شهریار، بهمن، پالیزبان، تخت‌اردشیر، چاکوک، چکلک، خماخسرو، دل‌انگیزان، دنه، دیف رخش (دیو رخش)، راست (راه، پرده)، راه گل، راهوی، روشن چراغ، راه مورا اله‌نهری، زید قیصران، سبزه بهار، سپهبدان، ستا، سارکانه (پرده)، سرود پارسی، سرود موارال‌نهری، سروستان، سروستانه سرو سهی، سیرواتیر، شخج، شکر‌توین، ششم، عشاق (پرده)، قاقوس، قیصران، کاپوینزه، کبک دری، گل‌نوش، گنج بادآور، گنج گاو، گنج فریدون، لیلیا، لیلی (پرده)، ماده (پرده)، مویه (پرده)، موزین، باغ سیل‌ووشان، باغ شهریار، بسکینه، بند شهریار، بهمن، پالیزبان، تخت‌اردشیر، چاکوک، چکلک، خماخسرو، دل‌انگیزان، دنه، دیف رخش (دیو رخش)، راست (راه، پرده)، راه گل، راهوی، روشن چراغ، راه مورا اله‌نهری، زید قیصران، سبزه بهار، سپهبدان، ستا، سارکانه (پرده)، سرود پارسی، سرود موارال‌نهری، سروستان، سروستانه سرو سهی، سیرواتیر، شخج، شکر‌توین، ششم، عشاق (پرده)، قاقوس، قیصران، کاپوینزه، کبک دری، گل‌نوش، گنج بادآور، گنج گاو، گنج فریدون، لیلیا، لیلی (پرده)، ماده (پرده)، مویه (پرده)، موزین، با